انفصال یا عزل کابینه ناصرالملک

امیرخیزی، اسماعیل

روز شنبه 8 ذی‏قعده 1325 قمری ناصر الملک در مجلس شورای ملی حضور داشت چند نفر از وکلای مجلس و برخی از وزارء شکایت کردند و ایشان نیز جواب دادند اغلب شکایت‏ها راجع بمسئله ساوجبلاغ بود که وزیر جنگ چرا در فرستادن قوا تعلل بخرج می‏دهد جوابهای ناصر الملک در نهایت اختصار بود تا آنکه وقت مجلس منقضی شد و هرکس پی کار خود رفت.

نظر بعقیدهء برخی از وکلا و شاید هم صحیح باشد که ناصر الملک میخواست‏ بنحوی خود را از زیر بار مسئولیت رئیس الوزاء مستخلص کند ولی بچه علتی‏ بوده نمیتوانست یا نمی‏خواسته از ریاست استعفا کند.

گویا در همان روز هشتم ماه بود که شاه رئیس الوزرا را با هیئت وزرا را احضار فرمود وقتیکه شرفیاب شدند شاه بنای پرخاش بگذاشت و درشتی آغاز کرد و از شرایط بی‏احترامی فرو گذاری؛فرمود و بالاخره گفت برخیزید و پی‏کار خود بروید.وزرا با نهایت ترس و لرز از حضور شاه بیرون رفتند ولی نه بمنزل‏ خودشان زیرا امر به توقیف ایشان صادر شده بود.

ناصر الملک در اطاق حاجب الدوله و دیگران در اطاق امیر بهادر توقیف‏ شدند ناصر الملک بیش از دیگران متوحش بوده و تصور میکرد که او را چیز خور خواهند کرد و حتی پائی که برای او آورده بودند از خوردن چائی به بهانه‏ئی خودداری کرد تا دو ساعت از شب گذشته همه وزراء به ترتیب مزبور توقیف بودند تا آن‏که در ساعت مزبور چرچیل‏1از سفارت انگلیس مأمور شده بود که به‏ حضور شاه رسیده و علت توقیف ناصر الملک را از ایشان بپرسد چون مشار الیه شرفیاب‏ شد پس از مختصر مذاکره اجازه مرخصی ناصر الملک را داد مشروط بر اینکه‏ در تهران نمانده و عازم فرنگستان شود وقتی که ناصر الملک آزاد شد دیگران‏ نیز آزاد گشتند و هرکس بخانه خود رفت.

شاه پس از چند روز درصدد دلجوئی ناصر الملک برآمده تلگرافی بوی که در پاریس بود بمضمون ذیل مخابره فرمود.

ناصر الملک

هله نومید نباشی که ترا شاه براند گرت امروز وز براند نه که فردات بخواند در اگر بر تو ببندد برو و صبر کن آنجا بسر صبر ترا و بسر صدر نشاند

حال تو چطور است

(1)-این چرچیل غیر از مستر چرچیل معروف بوده این شخص یکی از اجزای سفارت انگلیس بوده است.

(2)-این دو بیت مطلع و بیت دوم غزلی است از غزلهای شمس تبریزی که در مصراع اول کلمه(یار)بکلمه(شاه)تبدیل شده است و بیت سوم آن این است:

اگر او بر تو ببندد همه درها و گذرها در پنهان بگشاید که کس آن راه نداند